

فکر

سال دهم * شماره ۲۰۱ * پیاپی ۶۰۵ * بهار و تابستان ۱۳۹۳

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

بررسی همانندی‌ها و ناهمانندیهای فلسفه آموزشی هگل و برنامه فلسفه برای کودکان (p4c)

حمید طالب‌زاده، فرزاد حاجی میرزایی

آموزش فلسفه به کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی
مرتضی اسمعیلی کارتیچی

ارزیابی اهداف برنامه آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه اسلامی
حسام‌الدین خلعتبری، زهرا آقاچعفری

بررسی روش مناسب استفاده از برنامه فلسفه برای کودکان (p4c) در ایران
احمد اکبری، ملیحه اکبری، زینب اجلائی

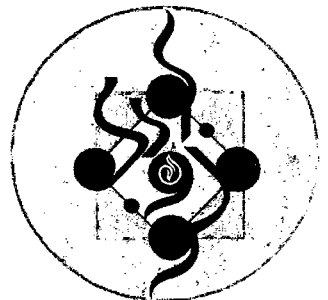
تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر مهارت‌های معناداری، ابهام، هماهنگی
در تفکر انتقادی دانش‌آموزان

حسین قمری گیوی، علی خالق‌خواه، علی رضایی‌شریف، فاطمه زادخوست

تأثیر اجرای برنامه بومی شده فلسفه برای کودکان بر افزایش خودکارآمدی، شادی
و خوش‌بینی دانش‌آموزان
رضاعلی نوروزی، منیره عابدی

تبیین تطبیقی دیدگاه‌های مربیان کشورهای مختلف در خصوص روشهای آموزش
فلسفه به کودکان

محسن فرمهینی فراهانی، اسماعیل خارستانی، فاطمه سیفی



تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر مهارتهای معناداری، ابهام، هماهنگی در پرورش تفکر انتقادی دانش آموزان

حسین قمری گیوی؛ دانشیار گروه آموزشی علوم تربیتی

علی خالق خواه؛ استادیار گروه آموزشی علوم تربیتی

علی رضایی شریف؛ استادیار گروه آموزشی علوم تربیتی

فاطمه زادخوست؛ کارشناس ارشد علوم تربیتی تحقیقات آموزشی دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول)

(مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول میباشد.)

چکیده

نرم افزار «SPSS20» استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد بین دو گروه در مؤلفه های متغیر تفکر انتقادی (معناداری، ابهام، هماهنگی، نتیجه گیری) تفاوت معناداری وجود دارد. بعبارتی، آموزش فلسفه بر افزایش تفکر انتقادی و مؤلفه های آن (معناداری، ابهام، هماهنگی، نتیجه گیری) تأثیر مثبت دارد.

کلیدواژگان

آموزش فلسفه
معناداری
هماهنگی
تفکر انتقادی
ابهام
نتیجه گیری

مقدمه

اگر بخواهیم کودکان را برای چالشهای آینده آماده کنیم، باید مهارتهای ویژه‌ی را به آنان بیاموزیم که براساس آن بتوانند بر زندگی و یادگیری خود مسلط شوند. زیرا برای یادگیری نباید پایانی در نظر گرفت. آنها به دانش

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر مهارتهای معناداری، ابهام، هماهنگی و نتیجه گیری در پرورش تفکر انتقادی دانش آموزان است. جامعه پژوهش، کلیه دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهرستان ایلام در سال تحصیلی ۹۲-۹۳ است که از این جامعه تعداد ۴۲ نفر بعنوان نمونه از طریق نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. در گروه آزمایش برنامه آموزش فلسفه اجرا شد، اما در گروه کنترل، عامل آزمایشی اجرا نشد. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه سنجش تفکر انتقادی رابرت انیس میباشد. برای تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد محاسبه شد و در بخش استنباطی از روش «تحلیل واریانس چند متغیری»^۱ بکمک

نیازمندند، اما مهمتر از آن، به قابلیت کسب دانش جدید نیاز دارند. آنان به دانشی نیاز دارند که خود بدست آورده باشند؛ «دانشی که خود تولید یا باز تولید کرده باشند».^(۱) با وجود تأکید بر افزایش مهارتهای فکری از جمله پرسشگری و تفکر انتقادی دانش‌آموزان در الگوی جدید آموزش پرورش، این بینش نتوانسته است بر پیش‌فرضهای آموزش پرورش سنتی غلبه کند. اقداماتی که در جهت آموزش مهارتهای تفکر انجام میگیرد، برای آنکه اثربخش واقع شود، نیازمند تغییراتی در کمیت گفتگوهای معلم - دانش‌آموز و دانش‌آموز - معلم در کلاس درس است، اما ایجاد این تغییرات دشوار است.^(۲) شالوده‌های مهارتهای فکری کودکان باید از همان سالهای اولیه‌ی زندگیشان پی‌ریزی شود، زیرا فراخ‌اندیشی در همان سالهایی آغاز میشود که شخصیت کودک شکل میگیرد. آنها باید با نگرشی باز به آینده‌ی خود بنگرند؛ فراخ‌اندیشی باعث میشود تا فرد خودم‌محور نباشد و تعصب نوزد.^(۳) مهارت تفکر انتقادی عبارت است از توانایی تحلیل عینی اطلاعات موجود با توجه به تجارب شخصی و شناسایی آثار نفوذی ارزشهای اجتماعی، همسالان و رسانه‌های گروهی بر رفتار فردی.^(۴) جهت قضاوت کردن و یا بررسی و بهبود کیفیت قضاوت، فرد از مجموعه‌یی از مهارتهای شناختی استفاده میکند که بعنوان مهارتهای تفکر انتقادی شناخته

میشود. این مهارتها شامل، تجزیه و تحلیل، تفسیر، استنباط، تبیین، ارزیابی و خودتنظیمی است.^(۵) برای حرکت در جهت کاربردی کردن فلسفه و آموزش تفکر انتقادی، فلسفه برای کودکان و نوجوانان شاید تازه‌ترین و بزرگترین گامی باشد که با هدف تقویت و بالا بردن مهارت استدلال داوری و قدرت تمییز برداشته شده است. این برنامه نمونه‌ی روشنی از کاربرد فلسفه در تعلیم و تربیت است. هدف آن با سایر برنامه‌های فلسفه کاربردی تفاوت دارد. این برنامه نمیخواهد موضوعات فلسفی را برای افراد غیرفلسوف روشن کند و مسائل آن را حل نماید، بلکه میخواهد به شاگردان کمک کند تا خودشان کار فکری انجام دهند و مسائل خویش را حل کنند.^(۶) در اواخر دهه ۱۹۶۰ م، متیو لیپمن^۱ برنامه «فلسفه برای کودکان»^۲ را مطرح کرد و متذکر شد اگر هدف ما از آموزش تفکر انتقادی، آموزش تفکر بهتر به افراد باشد، این کار مستلزم تعلیم ملاکها، موازین و قواعدی خواهد بود که فرد بواسطه آنها خودش قادر به ارزیابی تفکرات خود باشد. بیان دیگر، فقط تمرینهای واقعی است که میتواند دانش‌آموز را متفکر بار بیاورد نه یاد گرفتن تعریف تفکر انتقادی.^(۷) برنامه فلسفه برای کودکان که لیپمن و همکارانش در دانشگاه مونت کلیر^۳ آمریکا آن

1. Matthew Lipman
 2. Philosophy for children
 3. Montclair State University

از جمله دیگر ویژگیهای حلقه کندوکاو عبارت است از: برقراری رابطه چشم در چشم، صورتبندی سؤاها، دلیل و شاهد خواستن از دیگران برای ادعاهایی که دارند، بهره بردن از اندیشه‌های دیگران، پذیرش انتقادهای موجه، محترم شمردن دیگری در مقام یک شخص، درپی روشن‌سازی مفاهیم مبهم بودن، حمایت و پشتیبانی از عقاید با دلایل متقاعدکننده.

را تهیه کردند، بمنظور فراهم کردن برنامه‌یی تحصیلی در زمینه کاوش فلسفی برای کودکان از سطح کودکانستان تا دانشگاه بوده است و هم اکنون در بسیاری از کشورهای دنیا در حال اجرا میباشد.^(۸) برنامه آموزش فلسفه برای کودکان هدفهای شناختی دارد و ذهن کودک را وادار به تفکر و عمل میکند. در این برنامه، تبدیل کودکان به افرادی متفکر، انعطاف‌پذیر و منطقی مد نظر است و در صورت اجرای درست، تواناییهایی برای کودکان به ارمغان می‌آورد که نه تنها در پیشرفت تحصیلی، بلکه در کل زندگی اجتماعی تأثیر میگذارد.^(۹) برای اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان، کتابهای داستانی ویژه کودکان تألیف شده است. این داستانها در واقع، محرکی برای تفکر، پرسش و تفکر انتقادی کودکان میباشد. داستانها محرکی برای فلسفی شدن کودکان هستند و فلسفه را در



قالب تجربه شخصیت‌های تخیلی ارائه میدهند و ازاینرو، فرصتهایی را برای پرداختن کودکان به تخیل اخلاقی فراهم میسازند. به همین خاطر، در این برنامه، استفاده از داستانهای فلسفی برای پرورش قضاوت‌های اخلاقی کودکان جایگاه ویژه‌یی دارد.^(۱۰) حلقه کندوکاو^۱ از مؤلفه‌های اصلی برنامه فلسفه برای کودکان است که چارلز سندرز پیرس^۲ آن را برای نخستین بار ابداع کرد. در حلقه کندوکاو، دانش‌آموزان با توجهی مخصوص یا احترام (به سخنان یکدیگر گوش فرامیدهند) به آراء همدیگر چیزی اضافه میکنند، گفته‌های یکدیگر را زیر سؤال میبرند تا دلایلی برای سایر عقاید تأیید نشده و بی‌پشتوانه فراهم آورند و به همدیگر کمک میکنند تا نتایج و لوازم مطالب گفته شده را استخراج نمایند و نیز در پی تشخیص و روشن کردن فرضهای یکدیگرند. یک حلقه کندوکاو تلاش میکند؛ کندوکاو را تا جایی ادامه دهد که به نتیجه برسد، نه تا جایی که خط مرز مقررات درسی انشاء میکند؛ در آن گفتگویی شکل میگیرد که بسوی مطابقت با منطق پیش میرود. در نتیجه، وقتی این روند در شرکت‌کنندگان درونی شد یا ناخودآگاه به آنها منتقل گشت، آنها به این فکر خواهند افتاد که در سایر امور زندگی، در مواجهه با اتفاقات واقعی و جدید، از چیزهایی که یاد گرفته‌اند، بهره ببرند.^(۱۱) حلقه کندوکاو،

1. community of inquiry

2. Peirce

بدلیل ویژگی کندوکاوی خود، دربرگیرنده پرسش کردن و جستجویی بسیار وسیع برای حقیقت و جستجویی وسیعتر برای معناست. از جمله دیگر ویژگیهای حلقه کندوکاو عبارت است از: برقراری رابطه چشم در چشم، صورتبندی سؤالها، دلیل و شاهد خواستن از دیگران برای ادعاهایی که دارند، بهره بردن از اندیشه‌های دیگران، پذیرش انتقادهای موجه، محترم شمردن دیگری در مقام یک شخص، درپی روشن‌سازی مفاهیم مبهم بودن، حمایت و پشتیبانی از عقاید با دلایل متقاعدکننده.^(۱۲)

مرهوس معتقد است در کلاسهای فلسفه برای کودکان، روش پرسشگری جمعی و استدلال آوردن اجرا میشود. دانش‌آموزان یاد میگیرند که انصاف داشته باشند، به جمع و عقاید و نظرهای جمع احترام بگذارند و انعطاف‌پذیر و معقول و منطقی باشند. به همین سبب، مهارتهای پرسشگری جمعی، تفکر، اجتماعی شدن، احساس موفقیت و روحیه آنها تقویت میشود. دانش‌آموزان یاد میگیرند هر چیزی را با دلیل بپذیرند یا رد کنند و نیز یاد میگیرند که در شنیدن نظرها و بیان دیدگاهها، هیچ جوابی مطلقاً درست نیست.^(۱۳) متأسفانه برغم تأکید و توجه به مسئله تفکر در اهداف نظامهای آموزشی و ادعاهای مسئولان، متصدیان و مجریان آموزشی در عمل برای تشویق دانش‌آموزان در جهت تفکر و بویژه بکارگیری

تفکر انتقادی، اراده و انگیزه کافی وجود ندارد. معلمان نیز با وجود اظهاراتی که حاکی از پذیرفتن این فرض است که تفکر انتقادی راه را برای آموزش بیشتر و بهتر هموار میسازد، همواره با شیوه‌های قالبی و حذف حقایق و ایجاد محیط خشک انضباطی، زمینه را برای حفظ کردن اطلاعات درسی فراهم میکنند.^(۱۴) با توجه به اهمیت تفکر انتقادی و نقش و جایگاه مهم آن در تعلیم و تربیت، محقق در نظر دارد به این پرسش اساسی پاسخ دهد که آیا اجرای برنامه آموزش فلسفه بر تفکر انتقادی و مؤلفه‌های تفکر انتقادی دانش‌آموزان تأثیر دارد؟

مبانی نظری پژوهش

درباره تفکر انتقادی تعاریف متفاوتی ارائه شده است که نشان‌دهنده تفاوت دیدگاهها در تعریف این مقوله میباشد. ریچارد پاول^۱ یکی از کارشناسان طراز اول تفکر انتقادی، آن را اینگونه تعریف میکند:^(۱۵) هنر اندیشیدن درباره تفکر، وقتی که شما می‌اندیشید تا تفکر خود را بهتر کنید؛ یعنی آن را روشتر، درستتر و قابل‌توجه‌تر بیان کنید.^(۱۶) جان چافی^۲ تفکر انتقادی را چنین تعریف میکند: تفکر انتقادی فرایند تفکر را با روش و قاعده کشف میکند که این نه تنها بمعنای تعمق هدفمندانه است، بلکه

1. Richard Paul, 1992.
2. John Chaffee, 1994.

تفکر انتقادی چنین تفکری است:

(۱) سبب تسهیل قضاوت میشود، زیرا بر ضوابط و معیارهایی تکیه دارد. (۲) منجر به خوداصلاحی میشود. (۳) نسبت به زمینه حساس و باریک‌بین است.

کرد و چه چیزی را نباید باور کرد. سیمون و کاپلان^۷ معتقدند: تفکر انتقادی صورت‌بندی استنتاج جهان منطقی است. استل و استل^۸ میگویند: تفکر انتقادی توسعه‌الگوهای استدلال منسجم و منطقی است. موره و پارکر^۹ معتقدند: تفکر انتقادی تعیین هشیارانه و آگاهانه پذیرفتن و رد کردن یا قضاوت معلق است.^(۲۲) هاشمیان‌نژاد^(۲۳) در تعریف تفکر انتقادی میگوید: تفکری است مستدل و منطقی بمنظور بررسی و تجدیدنظر عقاید، نظریات، اعمال و تصمیمگیری درباره آنها بر مبنای دلایل و شواهد مؤید آنها و نتایج درست و منطقی که پیامد آنهاست.^(۲۴)

از نظر لیمن تفکر انتقادی چنین تفکری است: (۱) سبب تسهیل قضاوت میشود، زیرا بر ضوابط و معیارهایی تکیه دارد؛ (۲) منجر به خوداصلاحی میشود؛ (۳) نسبت به زمینه حساس و باریک‌بین است.^(۲۵)

آزمودن مدرک و منطقی است که ما و دیگران از آن استفاده میکنیم.^(۱۷)

رابرت انیس^۱ تفکر انتقادی را «تفکر مستدل و تیزبینانه درباره اینکه چه چیزی را باور کنیم و چه اعمالی را انجام دهیم» تعریف میکند.^(۱۸) وولفولک^۲ میگوید:^(۱۹) تفکر انتقادی، ارزیابی تصمیمات از راه بررسی منطقی و منظم مسائل، شواهد راه‌حلهاست.^(۲۰) انجمن روانشناسی آمریکا^۳ در تعریف دیگری میگوید: ما تفکر انتقادی را اینگونه درک میکنیم که باید قضاوت خودساخته و هدفمندی باشد که منجر به تفسیر، تحلیل، ارزیابی و استنباط شود. علاوه بر این توضیحی را دربرمیگیرد که متکی بر دلیل و مدرک، توضیح مفهومی، منظم و قانونمند با ملاحظات متنی که برپایه آن قضاوت انجام شده است، باشد.^(۲۱)

باربارا فولر^۴ ده تعریف تفکر انتقادی را از اشخاص گوناگون گردآوری کرده و ارائه داده است که نمونه‌یی از آنها عبارت است از: لیندزی، هال و تامسون^۵ معتقدند تفکر انتقادی عبارت از آزمودن و بررسی قابلیت کارآیی راه‌حلهای پیشنهاد شده است.

نوریز^۶ میگوید: تفکر انتقادی تصمیمگیری عقلانی در اینباره است چه چیزی را باید باور

1. Robert Ennis
2. Wolffolk
3. American Psychological Association, 1990.
4. Barbara Fowler
5. Lindzy, Hall, & Thomson, 1987.
6. Norris, 1985.

7. Simon & Caplan, 1989.
8. Stei & Stel, 1997.
9. Moore & Parker, 1994.



آلن^(۴۲) در مورد ۲۳ دانش‌آموز، بعنوان گروه تجربی، تحقیق کرد و نشان داد که دانش‌آموزانی که در کلاسهای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان و نوجوانان شرکت کرده‌اند، در مقایسه با گروه کنترل، در زمینه‌های درک مطلب، خواندن و تفکر انتقادی عملکرد بهتری داشته‌اند.

دانیل^۲ به بررسی برنامه فلسفه برای کودکان و تأثیرات آن در تفکر انتقادی دانش‌آموزان پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که دانش‌آموزانی که در یک دوره آموزشی بین نه تا پانزده هفته (هفته‌یی دو ساعت) شرکت کرده بودند، در مصاحبه و پرسشنامه کوتاه مباحث فلسفی، در مقایسه با گروه کنترل در مهارتهای تفکر انتقادی عملکرد بهتری داشته‌اند.

هایمر^۳ نیز با مطالعه درباره دانش‌آموزان تیزهوش، تأثیرات مثبت برنامه آموزش فلسفه به کودکان را در تفکر انتقادی، استدلال مفهومی و پژوهش فلسفی با دانش‌آموزان نشان داد.^(۴۳)

مونتنس و ماریا^(۴۴) در تحقیقی گزارش کردند با اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در دو مدرسه ابتدایی شهر مکزیکو و با استفاده از آزمون استدلال نیوجرسی، دانش‌آموزان شرکت‌کننده در برنامه در زمینه مهارتهای استدلال کردن و تفکر انتقادی، عملکرد بالاتری

در مقایسه با دانش‌آموزانی داشتند که در این برنامه شرکت نکرده بودند.

پروژه دایفد^۵ بر روی کودکان پنج ساله متمرکز شده بود. گروه آزمایش بمدت یک سال تحصیلی تحت آموزشهای فلسفه برای کودکان قرار گرفتند. نتایج بدست آمده حاکی از این بود که کودکانی که با فلسفه برای کودکان آموزش دیده بودند، در تفکر، گوش دادن، مهارتهای زبانی و اعتماد به نفس تقویت شده بودند.^(۴۵)

تسیوچام^۶ با انجام دادن تحقیقات و تجربیات چندساله، دریافت که دانش‌آموزانی که در گفتگوی فلسفی برنامه فلسفه برای کودکان درگیر میشوند قادر خواهند بود در توضیح دادن و استدلال که از ابزار تفکر محسوب میشود، ماهرانه عمل کنند. همچنین آنها میتوانند دقیق و اندیشمندانه سؤالاتی را مطرح نمایند و برای آنها جوابهای منطقی بیاورند.^(۴۶)

نتایج تحقیقات تریکی و تاپینگ^(۴۷) طی سالهای ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۲م نشان داد که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، آثار مثبتی در زمینه‌های خواندن، تفکر انتقادی، مهارت استدلال، عزت نفس و توانایی شناختی و ریاضی دارد. همچنین پژوهش فیشر^(۴۸) نشان داد که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، نتایج مثبتی از قبیل

5. Dyfed study. 1994.
6. Tsuchiyam, 2004.
7. Trickey & Topping
8. Fisher

1. Allen
2. Daniel, 1989.
3. Haimer, 2002
4. Monts & Maria

فلسفه برای کودکان استفاده شده است. جامعه پژوهش، کلیه دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهرستان ایلام در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ می‌باشد که از این تعداد ۴۲ نفر نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه سنجش تفکر انتقادی رابرت انیس می‌باشد. آزمون سنجش تفکر انتقادی را رابرت انیس از بنیانگذاران جنبش تفکر انتقادی در آمریکای شمالی، طراحی کرده و برای مشخص کردن میزان مهارت تفکر انتقادی، دوازده جنبه از این مهارتها را شناسایی و تمامی این جنبه‌ها را به همراه پرسشی مرتبط مطرح نموده است که به تجزیه و تحلیل انتقادی ایده دانش‌آموزان کمک میکند. این دوازده جنبهٔ واژگان تحلیلی با مفاهیمی از قبیل: موجه، صریح، صحیح، مربوط، بدرستی تعریف شده، مدرک و گواه مشخص، نتیجه و نقطه‌نظر، ما را قادر می‌سازد که در مورد تفکر خودمان دقیقتر بیندیشیم. در این پژوهش، نمره‌های دانش‌آموزان در چهار جنبه از ابعاد تفکر انتقادی مورد سنجش قرار گرفت که عبارت است از: ۱) درک معنای یک عبارت؛ ۲) تشخیص ابهام در نحوهٔ استدلال؛ ۳) نتیجه‌گیری منطقی و درک هماهنگی؛ ۴) نتیجه‌گیری موجه. این آزمون شامل دوازده سؤال است که هر سؤال چهار یا پنج گزینه دارد و مجموع این گزینه‌ها نمره فرد را در هرکدام از این ابعاد می‌سنجد و

پیشرفت دانش‌آموزان در آزمونهای مدرسه، احترام و اعتماد بنفس به خود بمنزله متفکر و یادگیرنده، سیالی و کیفیت بالای سؤالات کودکان، کیفیت تفکرات خلاق و استدلال کلامی، توانایی گوش دادن به دیگران و اشتغال در بحثهای کلاسی را به‌همراه داشته است.

در پژوهش سانجانا^(۴۹) برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در رشد مهارتهای استدلال اخلاقی و اجتماعی مؤثر است. همچنین نتایج پژوهش بیانگر عملکرد بهتر دانش‌آموزان در مهارتهای اجتماعی، شناختی و اخلاقی است و دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این برنامه، توانایی کاربرد آموخته‌هایشان و مهارتهای فوق را در زندگی روزانه دارند.

چان یوک کنگ و همکارانش^(۵۰) در کشور سنگاپور پژوهش دیگری انجام داده‌اند که نتایج آن حاکی از این است که دانش‌آموزان شرکت‌کننده در برنامهٔ درسی فلسفه برای کودکان عملکرد بهتری در مهارتهای مربوط به تفکر انتقادی و تفکر خلاق دارند. آنها همچنین توانایی بیان افکار و احترام به عقاید دیگران را نیز نشان داده‌اند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع شبه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد که در گروه آزمایش از اجرای برنامه آموزش

1. Sanjana
2. Chan Yoke Keng et al.

مجموع نمره فرد از این ابعاد، میزان تفکر انتقادی او را نشان می‌دهد. پس از برگزاری ده جلسه، مرحله پس‌آزمون سنجش تفکر انتقادی، به همین ترتیب، برای هر دو گروه آزمایش و کنترل تکرار شد. متغیر تفکر انتقادی بوسیله پرسشنامه با روش آزمایش سنجیده شد. داده‌های بدست آمده توسط پرسشنامه با استفاده از روش «تحلیل واریانس چند متغیری» مورد تحلیل قرار گرفت. ضریب پایایی آزمون نیز آلفای کرونباخ ۰/۸۹ است که برای تفکر انتقادی در حد بالا و پذیرفتنی می‌باشد.

روش اجرا

ابتدا، دانش‌آموزان دو گروه آزمایش و کنترل، تحت آزمون سنجش تفکر انتقادی قرار گرفتند. پس از اعمال برنامه آموزش فلسفه، بار دیگر میزان تفکر هر دو گروه بعد از مداخله آزمایشی در پس‌آزمون سنجیده شد. برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، برای گروه آزمایش با ۲۱ نفر از دانش‌آموزان دختر در دوازده جلسه نود دقیقه‌یی در دبستان دخترانه آینده‌سازان شهر ایلام (هفته‌یی یک جلسه) برگزار شد. در اداره کلاس از روش کلاس‌داری بشیوه حلقه کندوکاو استفاده گردید. در این کلاسها از مجموعه داستانهای فکری برای کودکان با عناوین «دو نقاش» زیبایی، «انصاف» کارگران در تاجکستان، «دوستی» خرسی که حرف میزد نوشته رابرت فیشر ترجمه شاهرودی لنگرودی^(۵۱) و داستانهای «چاقو»، «لانه پرنده»،

«لاک‌پشت زمان»، «شبی زیر ستارگان»، نوشته فیلیپ کم^۱ ترجمه احسانه باقری^(۵۲) استفاده شد. این داستانها دارای مضامین فلسفی و اخلاقی بوده و به موضوعاتی مانند: راستگویی، درستی، احترام، خشم، خوبی و بدی و دزدی می‌پردازد. اهدافی که در این داستانها در نظر گرفته شده شامل اهداف آموزشی، شناختی، اخلاقی و اجتماعی می‌باشد. بدینمعنا که کودک در جریان کندوکاو فلسفی، علاوه بر مهارتهای استدلال، به پذیرش مسؤلیت، احترام به دیگران و سایر ارزشهای اخلاقی نیز هدایت میشود. به‌مراه این کتابها، یک راهنمای آموزشی نیز برای معلم درباره هر یک از داستانها پیشنهاد شده است که سؤالات دانش‌آموزان را هدایت مینماید و یا زمینه بروز سؤال را در ذهنشان فراهم میکند. دانش‌آموزان داستانها را خوانده و پرسشگری در آنان تشویق میشود؛ در این جلسات سؤالاتی که ذهنشان را درگیر ساخته، مطرح می‌سازند و سپس ایده‌های خود را ابراز میدارند و به ایده‌های دیگران گوش داده و در نهایت با استدلال به مفاهیم انتزاعی معنا می‌بخشند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرضیه: برنامه آموزش فلسفه بر مؤلفه‌های معناداری، ابهام، هماهنگی، نتیجه‌گیری دانش‌آموزان تأثیر دارد.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد معناداری، ابهام، هماهنگی، نتیجه گیری در دو گروه کنترل و آزمایش

متغیرها	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
معناداری	کنترل	۲۱	۲/۱۹	۰/۸۱
	آزمایش	۲۱	۳/۸۵	۰/۶۵
ابهام	کنترل	۲۱	۲/۷۶	۰/۴۳
	آزمایش	۲۱	۴/۲۸	۱/۰۱
هماهنگی	کنترل	۲۱	۲/۴۷	۰/۸۱
	آزمایش	۲۱	۴/۷۱	۰/۷۱
نتیجه گیری	کنترل	۲۱	۴/۵۷	۰/۹۲
	آزمایش	۲۱	۷/۵۲	۰/۹۸

با توجه به نتایج جدول (۱) میانگین گروه آزمایش در پس آزمون نسبت به پس آزمون گروه کنترل افزایش یافته است.
جدول ۲. آزمون لوین

متغیر	F	Df1	Df2	sig
معناداری	۰/۶۰	۱	۴۰	۰/۴۴
ابهام	۱۰/۶۹	۱	۴۰	۰/۳۲
هماهنگی	۰/۳۲	۱	۴۰	۰/۵۷
نتیجه گیری	۰/۰۱	۱	۴۰	۰/۹۰

با توجه به آزمون لوین، بررسی مدل آماری پایایی نتایج بعدی تأیید میشود.

جدول ۳. آزمون پیلایی

نوع آزمون	مقدار	F	فرضیه df	خطا df	sig	اتا
اثر پیلایی	۰/۸۸	۶۵/۴۱۷	۴	۳۳	۰/۰۰۰	۰/۸۸
لامبدای ویلکز	۰/۱۱	۶۵/۴۱۷	۴	۳۳	۰/۰۰۰	۰/۸۸
اثر هتلینگ	۷/۹۲	۶۵/۴۱۷	۴	۳۳	۰/۰۰۰	۰/۸۸
بزرگترین ریشه روی	۷/۹۲	۶۵/۴۱۷	۴	۳۳	۰/۰۰۰	۰/۸۸

۱۲. طباطبایی، زهرا، «بررسی تأثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در پرسشگری و تفکر انتقادی دانش آموزان پایه‌های سوم تا پنجم ابتدایی (۱۱-۹ ساله) دبستان علوی شهر ورامین»، فصلنامه تفکر و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۱، ش ۱، ۱۳۸۹.

۲۱. ملکی، حسن؛ حبیبی‌پور، مجید، «پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت»، فصلنامه نوآوریهای آموزشی، س ۶، ش ۱۹، ۱۳۸۵.

۲۲. منصفی، سارا، «بررسی تأثیر آموزش فلسفه برای کودکان در قضاوت اخلاقی دانش آموزان دختر چهارم ابتدایی شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، ۱۳۸۸.

۲۳. ناجی، سعید، کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.

۲۴. - - - - -؛ کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان؛ گفتگو با پیشگامان انقلابی نو در تعلیم و تربیت، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۱، ۱۳۸۹.

۲۵. - - - - -؛ خطیبی مقدم، سمیه، «آموزش تفکر به کودکان راهی برای دستیابی به صلح جهانی»، فصلنامه تفکر و کودک، س ۱، ش ۲، ۱۳۸۹.

۲۶. - - - - -؛ قاضی‌نژاد، پروانه، «بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان بر روی مهارتهای استدلالی و عملکرد رفتاری کودکان»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ش ۷، ۱۳۸۶.

۲۷. نادری، عزت‌الله؛ تجلی‌نیا، امیر؛ شریعتمداری، علی؛ سیف‌نراقی، مریم، «بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان پسر پایه اول مقطع متوسطه منطقه ۱۴ تهران»، فصلنامه تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۲، ش ۲، ۱۳۹۱.

۱۳. عباسی یادکوری، مروارید، «بررسی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی مقطع متوسطه در پرورش مهارتهای تفکر بر مبنای دیدگاه اجتماعی برنامه درسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۱.

۱۴. فتی، لادن؛ موتابی، فرشته؛ محمدخانی، شهرام؛ کاظم‌زاده عطوفی، مهرداد، «آموزش مهارتهای زندگی»، کتاب راهنمای مدرسان، تهران، انتشارات دانژه، ۱۳۸۵.

۱۵. فیشر، رابرت، داستانهایی برای فکر کردن، ترجمه جلیل شاهرودی لنگرودی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۶.

۱۶. - - - - -، آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، اهواز، انتشارات رشن، ۱۳۸۶.

۱۷. کم، فیلیپ، داستانهای فکری (۱)، ترجمه احسانه باقری، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۲.

۱۸. ماهروزاده، طیبه؛ رمضان‌پور، شیوا، «تأثیر روش اجتماع پژوهشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارتهای شهروندی»، فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۷، ش ۳، ۱۳۹۰.

۱۹. مرعشی، سید منصور، «بررسی تأثیر برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارتهای استدلال دانش‌آموزان پسر سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی شهر اهواز»، رساله دکتری، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۵.

۲۰. - - - - -؛ صفایی مقدم، مسعود؛ خزامی، پروین، «بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان به



11. - - - - -, *Thinking in Education*, New York: Cambridge University Press, 2003.

12. - - - - -, *Thinking in Education*, Syndicate of the University of Cambridge, 2003.

13. Montes, M. & Maria, E., *Juchitande Los Ninos*, Abstract in OAPC, 2001.

14. Morehouse, Richard, "Developing Communities of Inquiry in the USA: Retrospect and Prospect", *Analytic Teaching and Philosophical Praxis*, vol. 30, no.2, 2010.

15. Paul, R.W., "Staff Development for Critical Thinking: Lesson Plan Remodelling as the Strategy", in: Costa, A.L., editor, *Developing Minds: A Resource Book for Teaching Thinking*, 1992.

16. Paul, Richard and Elder, Linda, "Critical Thinking: The Path to Responsible Citizenship", *High School Magazine*, 7 no. 810015ap, 2000.

17. Sanjana Mehta & David Whitebread, *Philosophy for Children and Moral Development in the Indian Context*, University of Cambridge, 2005.

18. Smith-stoner, Marilyn, *Critical Thinking Activites for Nursing*, Philadelphia, Lippincott Williams & Wilkins Press, 1999.

19. Topping, K. J. & Trickey, S., "Collaborative Philosophical Enquiry for School Children: Cognitive Effects at 10-12 Years", *British Journal of Educational Psychology*, in press, 2007.

20. Trickey, S. & Topping, K. J., "Philosophy for Children: A Systematic Review", *Research Papers in Education*, vol. 19, no. 3, 2004.

21. Williams, S., *Evaluating the Effects of Philosophical Enquiry in a Secondary School*, Derbyshire, England, Derbyshire County Council, 1993.

22. Wolffolk Anita E., *Educational Psychology*, Newjersey Englewood Chiffs 1990, pp. 228-230.

۲۸. نوروزی، رضاعلی، «بررسی کار فلسفی با کودکان

از دیدگاه دانش‌آموزان مدارس شهر اصفهان»، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، س ۶، ش ۲۳، ۱۳۸۵.

۲۹. هاشمیان‌نژاد، فریده، «ارائه چارچوب نظری در خصوص برنامه درسی مبتنی بر تفکر انتقادی در دوره ابتدایی با تأکید بر برنامه درسی مطالعات اجتماعی»، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۸۰.

منابع انگلیسی:

1. Allen, Terry, "Doing Philosophy with Children", *Thinking*, vol. 7, no. 3, 1988.

2. Chan Yoke Keng, Khatijah Binte Mohamad Ibrahim, *Philosophy for Children*, Proceeding of the Redesigning Pedagogy: Culture, Knowledge and Understanding Conference, Singapore, 2007.

3. Daniel, M. A., chleiferM., S, & Lebouis, P., "Philosophy for Children", *The Continuation of Dewey's Democratic Project*, *Analytic Teaching*, 13,1, 1992.

4. Ennis, R., *A Conception of Critical Thinking*, U. S. A.: Harvard University Press, 1985.

5. Facione, P.A. and Facione, N.C., "The Disposition toward Critical Thinking", *The Journal of General Education*, 44, 1995.

6. Fisher, Robert, *Values for Thinking*, Oxford: Nash Pollock, 2005.

7. Haas, H., Appendix B: "Experimental Research in Philosophy for Children", Lipman, M., Sharp, A. M., & Oscanyon F., (eds.), *Philosophy in the Classroom*, Philadelphia, PA, Temple, 1975.

8. Johnson, Elanine B., *Contextual Teaching and Learning: What It Is and Why It Is Here to Stay*, United Kingdom, Corwin Press, 2002.

9. Lipman, M., "The Cultivation of Reasoning through Philosophy", *Educational Leadership*, 42 (1), 1988.

10. - - - - -, *Philosophy Goes to School*, Temple University Press, 1988.